

سلامت و رفاهیت

بسمه تعالی
تاییدیه اعضای هیات داوران

آقای رضا استوارمسعود به شماره دانشجویی ۹۹۱۰۷۳۱۰۰۳ رشته علوم سیاسی پایان نامه خود را با عنوان: «جمهوریت» و «اسلامیت» در نظریه حکومت دینی امام خمینی (ره)

Title: "Republicanism" and "Islamism" in Imam Khomeini's theory of religious government

در تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۵ ارائه کردند.

اعضای هیات داوران نسخه نهایی پایان نامه را از نظر فرم و محتوا بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد تایید می نمایند.

امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیات داوران
	استادیار	دکتر عباس عمادی	استاد راهنما
	استادیار	دکتر سیدعلیرضا حسینی بهشتی	استاد مشاور
	دانشیار	دکتر ابوالفضل شکوری	استاد داور داخلی
	استادیار	دکتر سید مهدی ساداتی نژاد	استاد داور خارجی
	دانشیار	دکتر ابوالفضل شکوری	نماینده شورای تحصیلات تکمیلی

آیین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است امضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عنوانین پایان‌نامه، رساله و طرحهای تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه، رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می‌باشد. ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می‌باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید، با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آیین نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تصویب رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب براساس سیاست‌های دانشجوی رشته علوم سیاسی ورودی سال تحصیلی ۱۳۹۹ مقطع کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی، متعهد می‌شوم کلیه نکات مندرج در آیین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته های علمی مستخرج از پایان نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین نامه فوق الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تعدیر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران قوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضا: 
تاریخ: ۱۴۰۲/۲/۲۴

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته **علوم سیاسی** است که در سال **۱۳۹۱، ۱۱، ۱۵** در دانشکده **علوم انسانی** دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی

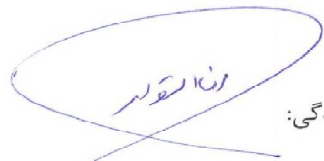
سرکار خانم/جناب آقای دکتر **عباسی عمادی**، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر **علیرضا هستی حسینی** و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب **مناستور سعور** دانشجوی رشته **علوم سیاسی** مقطع **کارشناسی ارشد** تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.



نام و نام خانوادگی:

۱۳۹۲، ۱۲، ۲۴

تاریخ و امضا:



دانشگاه تربیت مدرس

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته علوم سیاسی

«جمهوریت» و «اسلامیت» در نظریه حکومت دینی امام خمینی (ره)

دانشجو

رضا استوار مسعود

استاد راهنما

دکتر عباس عمادی

استاد مشاور

دکتر سیدعلیرضا حسینی بهشتی

بهمن ۱۴۰۱

چکیده

با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار حکومت دینی در ایران، "جمهوری اسلامی" از سوی امام خمینی(ره) به عنوان بدیل نظام سلطنتی معرفی گردید. از آن زمان تاکنون، این پرسش همواره مطرح بوده است که چگونه ایشان در کنار تأکید بر اصول اسلامی، «جمهوریت» را نیز می پذیرد و نظریه حکومت دینی خود را بر تلفیقی از مؤلفه های سنتی و مدرن بنا می کند. در این باره تحلیل های متفاوتی از سوی پژوهشگران و محققان حوزه اندیشه سیاسی امام(ره) ارائه شده است. پژوهش حاضر با بهره گیری از روش هرمنوتیک مؤلف محور کوئینتن اسکینر، تلاش کرده است فهمی جدید از «جمهوری اسلامی» به مثابه یک نظریه ارائه نموده و چگونگی صورتبندی «جمهوریت» و «اسلامیت» در اندیشه امام(ره) را مورد واکاوی قرار دهد. نتایج تحقیق نشان می دهد که برخی از مؤلفه های "جمهوری" در معنای مدرن آن با قرائت دینی امام خمینی(ره) تطابق ندارد و نظام سیاسی جمهوری، نظام ایده آل و آرمانی ایشان نیست. از سوی دیگر، ایشان در تحقق نظم آرمانی خود یعنی حکومت اسلامی، با دشواری هایی مواجه بوده است. فقدان تجربه حکمرانی، و الگوی مشخص عملی برای حکومت اسلامی، در کنار مخالفت های جدی گروه های سیاسی سکولار و حتی برخی از نیروهای مذهبی با حکومت اسلامی، واقعیات سیاسی زمانه امام است که از نگاه واقع بینانه ایشان دور نمانده است. همچنین نظم جمهوری به دلیل امکانات و قابلیت های آن به نظم مطلوب و آرمانی حکومت اسلامی نزدیک تر است و در شرایط عدم دسترسی به آن نظم آرمانی، می تواند مورد پذیرش قرار گیرد. بنابراین، پذیرش جمهوریت در اندیشه سیاسی امام(ره) از یک سو با توجه به واقعیات و اقتضات زمانه و از سوی دیگر با توجه به امکانات و قابلیت های نظم جمهوری صورت گرفته است. این همان رویکرد واقع نگری است که از خیال پردازی و آرمان طلبی غیرواقع بینانه پرهیز می کند و برخلاف مکاتب واقع گرایی و عملگرایی، تسلیم واقعیت نیز نمی گردد. در نتیجه می توان گفت داده ها و مستندات این پژوهش، صحت این فرضیه را تأیید می نماید که «جمهوریت در نظریه حکومت دینی امام خمینی(ره)، با رویکردی واقع نگرانه و با توجه به اقتضات زمان و مکان صورتبندی شده است و اصول آن مقید به رعایت محتوای اسلامیت است».

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی، حکومت اسلامی، امام خمینی، واقع نگری، اندیشه سیاسی

فهرست مطالب

چکیده	و
فصل اول: مقدمه و کلیات تحقیق	۱
۱ - ۱. مقدمه	۱
۱ - ۲. بیان مسأله	۳
۱ - ۳. سؤال پژوهش	۶
۱ - ۴. فرضیه پژوهش	۷
۱ - ۵. روش پژوهش	۷
۱ - ۶. تعریف مفاهیم	۱۴
۱ - ۶ - ۱. جمهوریّت	۱۴
۱ - ۶ - ۲. اسلامیت	۱۷
۱ - ۶ - ۳. واقع نگری	۱۹
۱ - ۷. پیشینه پژوهش (مرور ادبیات)	۲۳
۱ - ۸. نوآوری پژوهش	۲۸
۱ - ۹. اهمیت پژوهش	۲۸
۱ - ۱۰. اهداف پژوهش	۲۹
۱ - ۱۱. ساختار(سازمان دهی) پژوهش	۳۰
فصل دوم: زمینه های فکری - سیاسی اندیشه امام خمینی(ره)	۳۱
مقدمه	۳۱
۲ - ۱. دوره نخست (۱۳۰۰ - ۱۳۲۰): دوران تحصیل	۳۲
۲ - ۱ - ۱. وضعیت سیاسی	۳۲
۲ - ۱ - ۲. فضای فکری	۳۷
۲ - ۲. دوره دوم (۱۳۲۰ - ۱۳۳۲)، دوره فقاقت	۴۶
۲ - ۲ - ۱. وضعیت سیاسی	۴۶
۲ - ۲ - ۲. فضای فکری	۵۰

۵۶.....	۲ - ۳. دوره سوم (۱۳۳۲ - ۱۳۵۷)، دوره مبارزه.....
۵۶.....	۲ - ۳ - ۱. وضعیت سیاسی.....
۶۲.....	۲ - ۳ - ۲. فضای فکری.....
۷۰.....	۲ - ۴. دوره چهارم (۱۳۵۷ - ۱۳۶۸)، دوره رهبری.....
۷۰.....	۲ - ۴ - ۱. شرایط تاریخی.....
۷۳.....	۲ - ۴ - ۲. فضای فکری.....
۷۴.....	جمع بندی.....
۷۶.....	فصل سوم: حاکمیت ملی و حاکمیت ولایی.....
۷۶.....	مقدمه.....
۷۸.....	۳ - ۱. دلالت های «حاکمیت ولایی» در اندیشه امام خمینی(ره).....
۷۹.....	۳ - ۱ - ۱. حق شرعی اعمال ولایت برای فقها.....
۸۵.....	۳ - ۱ - ۲. مولی علیه و رشید نبودن مردم.....
۸۹.....	۳ - ۱ - ۳. غیر مشروع دانستن نظامات سیاسی عصر مدرن.....
۹۴.....	۳ - ۲. دلالت های "حاکمیت ملی" در بیانات امام خمینی(ره).....
۹۴.....	۳ - ۲ - ۱. حق مردم در تعیین سرنوشت خود.....
۹۷.....	۳ - ۲ - ۲. رشید بودن مردم در اعمال حاکمیت.....
۱۰۰.....	۳ - ۲ - ۳. تأکید بر نظام جمهوری.....
۱۰۰.....	۳ - ۳. نسبت سنجی حاکمیت ملی و حاکمیت ولایی.....
۱۰۱.....	۳ - ۳ - ۱. فرض اول: تطور در رأی امام.....
۱۰۵.....	۳ - ۳ - ۲. فرض دوم: تطابق جمهوریت و اسلامیت.....
۱۰۸.....	۳ - ۳ - ۳. فرض سوم: تناقض: لاینحل بودن پیوند جمهوریت و اسلامیت.....
۱۰۹.....	جمع بندی.....
۱۱۲.....	فصل چهارم: مشارکت سیاسی در اندیشه امام خمینی.....
۱۱۲.....	مقدمه.....
۱۱۵.....	۴ - ۱. فضای فکری ایران و مسأله مشارکت سیاسی فراگیر.....

۴ - ۲. امام خمینی و مسأله مشارکت سیاسی زنان	۱۲۲
۴ - ۲ - ۱. منع مشارکت سیاسی زنان	۱۲۲
۴ - ۲ - ۲. تأکید بر مشارکت سیاسی زنان	۱۲۶
۴ - ۳. مشارکت سیاسی؛ "حق" یا "تکلیف"	۱۲۸
۴ - ۳ - ۱. مشارکت سیاسی؛ به مثابه "حق"	۱۳۰
۴ - ۳ - ۲. مشارکت سیاسی به مثابه "تکلیف"	۱۳۶
جمع بندی	۱۴۱
فصل پنجم: نظریه "جمهوری اسلامی" بین «آرمان» و «واقعیت»	۱۴۳
مقدمه	۱۴۳
۵ - ۱. "آرمان" و "واقعیت" در اندیشه سیاسی	۱۴۴
۵ - ۲. حکومت اسلامی آرمانی در اندیشه امام خمینی(ره)	۱۴۹
۵ - ۳. واقعیات دردِ سر سازِ حکومت اسلامی	۱۵۶
۵ - ۳ - ۱. فقدان تجربه حکمرانی	۱۵۸
۵ - ۳ - ۲. فقدان زمینه پذیرش حکومت آرمانی	۱۵۹
۵ - ۴. شاخصه های واقع نگری در اندیشه امام(ره)	۱۶۱
۵ - ۴ - ۱. تقدم محتوا بر شکل حکومت	۱۶۲
۵ - ۴ - ۲. توجه به امکانات و مقدرات	۱۶۳
۵ - ۴ - ۳. نواندیشی در اجتهاد	۱۶۵
۵ - ۴ - ۴. پرهیز از عملگرایی و مصلحت اندیشی سیاسی	۱۶۸
جمع بندی	۱۷۰
نتایج تحقیق	۱۷۲
فهرست منابع	۱۷۸

فصل اول: مقدمه و کلیات تحقیق

۱-۱. مقدمه

از اواخر قرن نوزدهم و با گسترش مدرنیته -به ویژه در ابعاد سیاسی آن- به جوامع غیر غربی و از جمله جهان اسلام؛ اندیشه های سیاسی جدید در بین مسلمانان چنان رایج و شایع گردید که بحث از نسبت و رابطه این افکار و اندیشه ها با سنت فکری اسلامی، به یکی از مهمترین مباحث اندیشه سیاسی - اجتماعی متفکران مسلمان در دوران معاصر بدل گردید. نضج گرفتن و بسط مدرنیته در جوامع غربی و سرآغاز آشنایی مسلمانان با مفاهیم و نهادهای سیاسی مدرن را باید در لشکرکشی ناپلئون به مصر در ۱۷۹۸ میلادی و ورود فرانسویان به سرزمین های اسلامی جستجو کرد. (عنایت، ۱۳۹۷، ص ۲۲؛ خدوری، ۱۳۶۶، ص ۶۴۳).

تسری مدرنیته سیاسی در جوامع اسلامی که از حیث بسترهای فرهنگی، سیاسی و مناسبات اقتصادی و اجتماعی، با زمینه های شکل گیری آن در غرب کاملاً متفاوت و متمایز بود، کلیت اندیشه سیاسی مسلمانان از جمله تلقی آنان از حکومت دینی و دولت اسلامی را تحت تأثیر خود قرار داده و همراه شدن با این موج تجدد و نوخواهی، واکنش های متضاد و دوگانه ای را پدید آورد. در پی ظهور دولت های مدرن در جوامع اسلامی، مفاهیم سیاسی جدیدی در منظومه فکری مسلمانان مطرح گردید که در دوران پیشامدرن مطرح نبوده و صرفاً از دستاوردهای سیاسی دوران مدرن محسوب می شود؛ مفاهیم و واژگانی مانند قانون، رأی، حزب، انتخابات، تفکیک قوا، دموکراسی، آزادی، برابری، مردمسالاری، شهروندی و... که در یکی دو قرن اخیر به ساحت اندیشه اسلامی راه یافته و مورد توجه متفکران مسلمان قرار گرفته است. (لوئیس، ۱۳۷۸، ص ۳۲ -

(۳۳)

یکی از مسائل جدید در اندیشه اسلامی که از دستاوردهای فکری و تجربیات سیاسی دنیای غرب است، مسأله «جمهوریت» و نظام سیاسی مبتنی بر آن است. این مسأله هر چند در مغرب زمین، قدمتی طولانی دارد و به دوران باستان بازمی گردد، لکن در دنیای اسلام، اندیشه ای تازه است و قدمت چندانی ندارد. با نگاهی به پیشینه جمهوری خواهی در ایران می توان دریافت که جمهوریت به عنوان شکل مردم سالار

حکومت از اواخر دوره قاجار همواره مطرح بوده و در شرایط بحرانی و انتقالی تقویت می شده است. (امین، ۱۳۸۰، ص ۸۶ - ۹۵). در حوادث دوران مشروطیت، که رجال سیاسی و درباری، مخالفان را به جمهوری خواهی متهم می کردند، روحانیون مشروطه خواه، ناگزیر بودند برای دفع این اتهام، به صراحت از جمهوریت اعلام براءت کنند. به عنوان نمونه، آیت الله بهبهانی در این باره می نویسد: «بعضی می گویند ما مشروطه طلب یا جمهوری خواه هستیم. به خدای عالمیان این حرف ها را به ما می بندند. ما نگفتیم پادشاه نمی خواهیم». (کرمانی، ۱۳۶۱، ص ۴۴۳).

این مسأله در دوران پس از مشروطه، و به طور جدی در دوره رضاخان مطرح گردید و به صورت گسترده در ادبیات سیاسی و عامه ایران و به طور بی سابقه در پارلمان مورد بحث قرار گرفت. فراکسیون تجدد و سوسیالیست ها که طرفدار سردار سپه بودند در مجلس پنجم لایحه انقراض سلطنت را ارائه کردند و همزمان برخی از روشنفکران و جراید مانند ایرانشهر به حمایت از آن پرداختند. این امر اعتراض و مخالفت روحانیون را به همراه داشت؛ به عنوان نمونه از مدرس چنین نقل شده است که «اصول جمهوریت با طریقه جعفری مخالف است». (حلاج، ۱۳۳۵، ص ۱۹۵) به دنبال اعتراض روحانیون و مخالفت آنان با اندیشه جمهوری خواهی، تظاهرات گسترده ای از سوی مردم در مخالفت با جمهوری به راه افتاد. تظاهر کنندگان شعار می دادند: «ما دین نبی خواهیم جمهوری نمی خواهیم. ما مردم قرآنیم جمهوری نمی خواهیم». (آبراهامیان، ۱۳۹۹، ص ۱۶۷). این شعار و امثال آن حکایت از آن داشت که تفکرات عامه مردم در این دوران به پیروی از عالمان دینی، جمهوریت را مخالف قرآن و شریعت اسلام می دانستند. امری که بعدها توسط محمدرضا پهلوی به عنوان طنزی تلخ و گزنده مطرح گردید. وی در کتاب «پاسخ به تاریخ» می نویسد: «آن چه این روحانیون درخواست دارند توسط پدرم مطرح شد که توسط همین روحانیون و برجستگان آنان در ایران و عراق با آن مخالفت شد». (پهلوی، بی تا، ص ۵۶).

به نظر می رسد سقوط خلافت عثمانی و تشکیل جمهوری ترکیه توسط افسران جوان لائیک همانگونه که با عکس العمل شدید جهان اسلام به ویژه در کشورهای عربی رو برو شده بود در ایران نیز تأثیرات خود را باقی گذاشته بود. جامعه ایران از جمله روحانیون، با توجه به تجربه های حاصله از جمهوری انقلابی فرانسه،

جمهوری آتاتورک و جمهوری مورد نظر مارکسیست ها و توده ای ها، تصویری سکولار و ضد دین از جمهوریت داشته است. (حسینی زاده، و اردستانی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۷ - ۱۶۷). به همین جهت، عالمان دینی هم بر اساس برداشت ها و تفاسیری که از متون دینی داشتند و هم به جهت تجربه تاریخی با نظام جمهوری سر ناسازگاری داشتند. هم اکنون و در عصر جمهوری اسلامی نیز پذیرش نظام جمهوری و پایبندی به لوازم و پیامدهای آن - حق حاکمیت ملی و مشارکت عمومی مردم در امور سیاسی - در اندیشه برخی از روشنفکران و عالمان دینی، ناسازگار با اسلامیت نظام تلقی می گردد. (به عنوان نمونه، ر.ک: حائری یزدی، ۱۹۹۵)

به طور کلی، مسأله جمهوریت و اسلامیت را می توان به عنوان تقابل دوگانه ای در جهان اسلام و ایران قلمداد نمود که همواره مورد بحث متفکران مسلمان بوده است. در این پژوهش با تمرکز بر آراء و اندیشه های سیاسی امام خمینی (ره) تلاش می شود با رویکردی کاملاً علمی و بدون جانبداری، در حد و وسع علمی امروز خود، چگونگی به تفاهم رساندن «جمهوریت» به عنوان یکی از مهمترین دستاوردهای بشر مدرن که در طی یک فرایند تاریخی وارد سپهر اندیشه اسلامی و جامعه ایران و به تبع آن وارد منظومه فکری امام خمینی (ره) گردیده است، با چارچوب های «اسلامیت» در تفکر ایشان مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۲. بیان مسأله

با ورود اندیشه های جدید به ایران - که سرآغاز آن را می توان به تحولات مشروطه خواهی و حتی یک دهه قبل از آن مربوط دانست - مفاهیم و نهاد های مدرن تازه کشف شده به جزئی جدایی ناپذیر از خواسته های اساسی ایرانیانی تبدیل شد که سال ها زیر یوغ حکومت هایی بودند که در آنان تمرکز قدرت، بی قیدی نسبت به محدودیت های سنتی، تقرب و روابط شخصی برقرار بود که از آنان به عنوان رژیمهای پاتریمونیال (حجاریان، بی تا، ص ۴۸) یاد می کنند. با بررسی «تاریخ نگاری فکری» (منوچهری، ۱۴۰۰، ص ۱۲ تا ص ۳۲) ایران معاصر در اوان مشروطیت، این گونه می توان روح زمینه و زمانه را فهم نمود که بزرگترین دغدغه جریانات مختلف فکری، تبیین اشتراکات و افتراقات مبانی جدید الورد با مبانی و اصول اسلامی است. در این دوره، هرکدام از اسلام گرایان سنتی - همچون شیخ فضل الله نوری - و نوگرا - همچون نائینی - الگو و مدل

خاصی از دولت و حکومت دینی را مورد نظر داشتند. (زرگری نژاد، ۱۳۷۴). به دنبال فرجام ناخوشایند مشروطیت، گفتگوهای دینی در باب دولت و سیاست، تا حد زیادی متوقف گردید و به جز آثار معدودی که در این زمینه نوشته شد مانند طرح «دموکراسی اسلامی» که اسدالله مامقانی در سال ۱۲۹۶ ارائه کرد (مامقانی، ۱۳۳۶ق) و نظریه ای که سیداسدالله خرقانی به عنوان بدیل نظام مشروطه ارائه نمود، (جعفریان، ۱۳۸۲، ص ۱۳۵ ص ۱۸۹). اثر قابل توجهی در این باره دیده نمی شود. (نجفی، ۱۳۶۶ ص ۱۴۳). با روی کار آمدن پهلوی اول نیز آنچنان هاله اختناق بر جامعه روشنفکری، و جامعه مدنی ایران سایه افکند که اساساً زایش و ارائه بدیل و راهکار به زحمت و درد زائیدن آن نمی ارزید.

با فروپاشی سلطنت پهلوی اول، بار دیگر اندیشه حکومت اسلامی در ایران قوت گرفت. در طول دهه بیست تا پنجاه شمسی، طرح های مختلفی از حکومت اسلامی از سوی اسلام گرایان ارائه گردید و رساله های متعددی در این باره نگاشته شد. به عنوان نمونه، «کشف الاستار» خالصی زاده و کشف اسرار امام خمینی (ره) از مهمترین رساله هایی هستند که پس از شهریور ۱۳۲۰ در واکنش به دیدگاه های افرادی مانند حکمی زاده و کسروی نگاشته شده و در ضمن آن تلاش هایی برای تبیین برخی از اصول و ابعاد حکومت دینی بیان شده است. در سال ۱۳۲۹ نیز فدائیان اسلام با انتشار کتاب «رهنمای حقایق» دیدگاه خود را درباره حکومت دینی منتشر کردند. در دهه های بعد نیز تا وقوع انقلاب اسلامی، رساله های متعددی در مورد ماهیت حکومت دینی و ارکان و مؤلفه های آن به وفور منتشر گردید. (جعفریان، ۱۳۸۴)

یکی از مهمترین طرح های حکومت اسلامی، حکومتی آرمانی بود که آیت الله خمینی (ره) برخی از ابعاد و مؤلفه های اساسی آن را در آثار خود پیش از انقلاب اسلامی ترسیم نمود. با تأمل در این آثار - اعم از سخنرانی ها و مکتوبات - به خوبی می توان دریافت که ایشان تجربه تلخ مشروطه را همچنان به خاطر داشته و برخلاف دیگر جریان های سیاسی - مذهبی که مبارزه قهرآمیز با نظام را مطلوب نمی دانستند یا همچنان دل به احیای مشروطه بسته بودند، (آبراهامیان، ۱۳۹۹، ص ۵۸۳ ص ۵۸۶) امیدی به استمرار مشروطیت و عمل به قانون اساسی آن نداشته است. (خمینی، بی تا، ص ۱۹۰) به همین جهت، ایشان خواهان شکل جدیدی از حکومت اسلامی بود که نه با اصلاحات سیاسی، بلکه از طریق یک انقلاب مردمی و براندازی

نظام سلطنت محقق می شد. (امام خمینی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۵) در این شکل از حکومت اسلامی - که آن را رسماً در سال ۱۳۴۸ در سخنرانی های خود در مسجد شیخ انصاری نجف بیان کردند - نه تنها از مفاهیم و نهادهای مدرن اثری به چشم نمی خورد، بلکه در برخی موارد به صراحت با آن مخالفت می شود. به عنوان نمونه؛ در مورد طرز حکومت در اسلام، تصریح می کند که «حکومت اسلامی هیچ یک از انواع طرز حکومت های موجود نیست» (همان، ص ۳۲) و بدین ترتیب تمامی اشکال دولت مدرن مانند مشروطه، دموکراسی و جمهوری را نفی می کند. (همان، ص ۳۳ - ۳۵). از نگاه ایشان، مشروطه نظامی بود که تفاوتی با استبداد و دیکتاتوری و دموکراسی نداشت؛ مگر در فریبندگی الفاظ و حيله گری قانونگذارها؛ و حتی مشروعه کردنش نمی توانست ماهیت حيله گرانه غربی آن را بپوشاند. در حکومت های جمهوری نیز اکثریت کسانی که خود را نماینده اکثریت مردم معرفی می کنند، به تصویب قانون می پردازند و آن را بر عموم مردم تحمیل می نمایند. (همان، ص ۳۴)

ایشان در مورد سایر مفاهیم و نهادهای مدرن دیگر مانند مفهوم قانون و حکومت قانون در معنای مدرن آن؛ نهاد پارلمان و مجلس تقنین، مفهوم تفکیک قوا و توزیع قدرت؛ مشارکت سیاسی عموم مردم از جمله زنان، مسأله ملیت و دوگانگی آن با مفهوم امت و... مواضعی کاملاً سنتی اتخاذ کرده اند که در دو اثر معروف «کشف اسرار» و «رساله حکومت اسلامی» و همچنین بیانیه ها و سخنرانی های سیاسی ایشان در دوران قبل از انقلاب به تفصیل تبیین شده است. بنابراین، به نظر می رسد امام خمینی (ره) در این دوران از حیات سیاسی خود تا حدود زیادی مؤلفه های اساسی جمهوریت را مورد نقد و اشکال قرار داده است. تفکر سیاسی ایشان در این دوران نسبت به مفاهیم و نهادهای مدرن - هرچند همچون اسلام گرایان سنتی نیست - لکن به گونه ای نیست که ایشان را در زمره متفکران متجدد و نوگرا قرار دهد. حتی اگر سخنرانی ها و بیانیه های ایشان در دوران بعد از انقلاب نادیده فرض شود، به جرأت می توان اندیشه سیاسی ایشان و حکومت دینی برآمده از آن را حکومتی کاملاً سنتی تلقی نمود.

با این همه، در آستانه انقلاب - و دقیقاً در ۱۶ شهریور ماه سال ۱۳۵۷ - برای اولین بار لفظ "جمهوری" بر سر زبان ها افتاد. (کورزمن، ۱۴۰۰، ص ۱۱۴) و به طور فزاینده در دهه اول انقلاب اسلامی به طور مکرر در

مواضع و دیدگاه های امام خمینی(ره) در مورد دولت جدید در ایران، بر وجوهی از جمهوریت تأکید می گردد. به نظر می رسد امام(ره) و بسیاری از شاگردان ایشان، در دیالکتیک ناخواسته شان با تجدد، به طور ضمنی، وجوهی از دولت مدرن را پذیرفته و علیرغم کوشش هایی که در خلوص مذهبی آن می کنند، نظریه دولت دینی خود را با عناصری از دولت مدرن درآمیخته اند. (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۱، ص ۸) پذیرفتن نظام سیاسی جمهوری، «به همان معنایی که همه جا جمهوری است»، (امام خمینی، ۱۳۹۳، ج ۴، ص ۴۷۹) مشارکت گسترده آحاد ملت از جمله زنان (همان، ج ۵، ص ۵۲۰) پذیرش تفکیک قوا در برابر تمرکز آن در شخص یا گروه خاص؛ تأکید بر مجلس و پارلمانی که در رأس همه امور است، و دیدگاه هایی از این قبیل به خوبی نشان می دهد که بسیاری از مفاهیم سیاسی جدید و نهادهای دولت مدرن به اندیشه سیاسی ایشان راه یافته است.

از همین جا جمع بین «جمهوریت» و «اسلامیت» در اندیشه سیاسی امام(ره)، به مسأله ای مهم و البته پرچالش بدل گردیده و تحلیل های متفاوتی در این باره از سوی پژوهشگران و محققان حوزه اندیشه سیاسی امام ارائه شده است. مسأله این است که چگونه ایشان در کنار تأکید بر مفاهیم سیاسی اسلامی، «جمهوریت» و اصول یک حکومت جمهوری را نیز می پذیرد و نظریه حکومت دینی خود را بر تلفیقی از این عناصر سنتی و مدرن بنا می کند. زیرا همان طور که به طور اجمال بیان گردید، نگرش ایشان به ابعاد سیاسی مدرنیته، در دوران قبل و بعد از انقلاب تفاوت جدی دارد و بدیهی است که مبانی مذهبی ایشان نیز با مبانی فلسفی و فکری مدرنیته غربی در همه ابعاد آن چندان سازگار نیست؛ پس چگونه است که علیرغم اختلافات مبنايي، روبناهای چنین تفکری را پذیرفته و در اندیشه خود راه داده است. بنابراین، چگونگی صورتبندی «جمهوریت» و «اسلامیت» در نظریه حکومت دینی امام، مسأله مهم این تحقیق است.

۱-۳. سؤال پژوهش

پرسش اصلی این است که رابطه بین مفاهیم «جمهوریت» و «اسلامیت» در نظریه حکومت دینی امام خمینی(ره) چگونه صورتبندی شده است؟

۱-۴. فرضیه پژوهش

فرضیه ای که در پژوهش حاضر مورد آزمون قرار می گیرد، این است که «جمهوریت در نظریه حکومت دینی امام خمینی(ره)، با رویکردی واقع نگرانه^۱ و با توجه به اقتضائات زمان و مکان صورتبندی شده است و اصول آن مقید به رعایت محتوای اسلامیت است».

البته در تفاسیر و خوانش های متعددی که از اندیشه سیاسی امام شده است، احتمالات و فرض های مختلف دیگری نیز مطرح شده است که در این پژوهش به عنوان فرضیه های رقیب مورد بررسی قرار می گیرند. این احتمالات عبارتند از:

۱. اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) در دوران پس از انقلاب اسلامی دچار تحول شده و به سوی مدرنیته گرایش یافته است. (کدیور، ۱۳۷۸، ص ۱۲۴، و حجاریان، ۱۳۸۰، ص ۷۹)
۲. امام خمینی(ره) این مفاهیم را در اندیشه خود بومی سازی کرده است؛ یعنی آن ها را از معنای مدرن خود تهی کرده و مفهوم دیگری را از آن قصد کرده است، بدین ترتیب جمع بین مبانی دینی ایشان و مفاهیم و نهادهای مدرن ممکن می شود. (فراستی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۰ - ۲۴۰)
۳. جمع بین جمهوریت و اسلامیت، جمع بین دو امر متناقض است. (حائری یزدی، ۱۳۹۵، ص ۲۴۵).

۱-۵. روش پژوهش

روش گردآوری داده های این تحقیق به شیوه مطالعات کتابخانه ای و اسنادی است و تلاش می شود علاوه بر منابع دست اول، یعنی متون و آثار فقهی - سیاسی امام خمینی(ره) از کلیه منابع دیگری که دیدگاههای ایشان را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده است نیز استفاده گردد.

همچنین این پژوهش با رویکردی تفسیری و با بهره گیری از رهیافت هرمنوتیک روشی مؤلف محور به قرائت اسکینر به تحلیل داده ها می پردازد. از آنجایی که هدف پژوهش پیش رو، کشف چگونگی جمع بین دو رکن «جمهوریت» و «اسلامیت» در نظریه حکومت دینی امام خمینی(ره) می باشد، لازم است به دنبال

^۱ یکی از تلاش های نظری پژوهش حاضر، تفکیک قائل شدن بین مفهوم، و رویکرد ((واقع گرایی)) و ((واقع نگری)) است؛ و قرار دادن رویکرد امام خمینی(ره) در ذیل رویکرد واقع نگری.

فهم و معناکاوی آثار امام و اندیشه های سیاسی ایشان باشیم. از این رو در بین روش های تفهیمی معناکاو، که کشف و تبیین درست پدیده ها را در گرو فهم کردنشان می‌داند، روش هرمنوتیک به صورت کلی؛ و هرمنوتیک روشی مؤلف محور به قرائت اسکینر، میتواند یکی از «متد» های مناسب برای پیشبرد هدف این پژوهش، و معناکاوی اندیشه های سیاسی امام خمینی(ره) باشد.

واژه «متد» که به معنای دقیق آن «درپیش گرفتن راهی» است، مشتق از واژه یونانی «متا» به معنای «در طول»، و «ادوس» به معنای «راه»؛ و معین کردن گام هایی است که برای رسیدن به هدفی می بایست با نظمی خاص برداشت. (سروش، ۱۳۸۸، ص ۱۶۶) متدلوژی هر موضوعی، بر مبنای ماهیت آن موضوع تعیین می شود. بنابراین اسکینر خود، برای فهم اندیشه های سیاسی دو تن از واقع گرا ترین اندیشمندان سپهر اندیشه ورزی غرب، یعنی ماکیاولی و تامس هابز، از همین روش بهره برده است. در ایران نیز پژوهش های متعددی از این روش استفاده کرده و در بخش روش شناسی خود، به طور مبسوط به تبیین و توضیح این روش پرداخته اند؛ به همین جهت، در پژوهش حاضر فصل جداگانه ای را به روش تحقیق اختصاص نداده و پس از توضیحی مختصر پیرامون خود واژه «هرمنوتیک» و انواع آن، ابعاد اصلی روش خاص اسکینر در فهم اندیشه های سیاسی را به طور اجمال مرور خواهیم کرد، زیرا در صورت نداشتن داده و سخنی جدید که بتوان بر مسائل و توضیحات گذشته بیفزاید، زیاده گویی و تکرار سخنان پیشین چیزی بیش تر از تکرار مکررات نخواهد بود.

لازم به ذکر است که از اواسط دهه هشتاد هجری شمسی، هیچ کار پژوهشی چه در سطح کارشناسی ارشد و چه در سطح دکتری، اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) را با استفاده از روش هرمنوتیک قصد گرای اسکینر مورد بررسی قرار نداده است. از این رو پژوهش حاضر با اتخاذ این روش معتقد است که متدلوژی خاص اسکینر، میتواند جزء یکی از بهترین روش های تفهیمی معنا کاو، برای شناخت اندیشه های سیاسی امام خمینی(ره) باشد.

۱ - ۴ - ۱. تعریف هرمنوتیک:

واژه هرمنوتیک مانند بسیاری از لغات فلسفی - سیاسی دیگر، ریشه در دوران یونان باستان دارد. هرمنوتیک از فعل یونانی "هرمینوین" به معنای «تاویل کردن» و از اسم "هرمینیا" به معنای «تاویل» مشتق شده است. (پالمر، ۱۳۷۷، ص ۲۰) به نظر می‌رسد این کلمه از ریشه یونانی "هرمس" که یکی از خدایان اساطیری یونان باستان و آفریننده زبان و خط است می‌باشد که پیام خدایان را از آسمان به زمین منتقل می‌نمود. هرمنوتیک دارای سه وجه معنایی، یعنی گفتن [بیان کردن]، توضیح دادن، و ترجمه کردن می‌باشد. (پالمر، ۱۳۷۷، ص ۲۰) از این رو می‌توان به صورت کاملاً موجز هرمنوتیک را دانشی تعریف کرد که مخاطب آن انسان بوده؛ و واژگان کلیدی و اساسی اش، زبان - معنا - مفاهیم - تفسیر و فهم می‌باشد. (مرتضوی، ۱۳۸۸، ص ۱۷)

تقسیم بندی هایی از گونه های مختلف دانش هرمنوتیک ارائه شده است. یکی از این تقسیم بندی ها که حالتی محتوایی داشته، متعلق به ژولین فروند می‌باشد. فروند این دانش را براساس خط سیر تاریخی که پشت سر گذاشته است به سه گونه هرمنوتیک کلاسیک، هرمنوتیک مدرن، و هرمنوتیک معاصر تقسیم بندی نموده است. (فروند، ۱۳۷۲، ص ۴۵ ص ۵۰) تقسیم بندی محتواگرایانه دیگر از این دانش، که نامگذاری اش را بر اساس توقع های آغازین از این دانش یعنی تفسیر کتب مقدس، اتخاذ نموده است، متعلق به ریچارد پالمر می‌باشد. تقسیم بندی پالمر را میتوان به اجمال اینگونه ترسیم نمود: «هرمنوتیک روشی برای فهم متون خاص، هرمنوتیک روشی برای فهم متون عام، و هرمنوتیک فلسفی». (پالمر، ۱۳۷۷، ص ۴۱، ص ۵۴) این دوگونه تقسیم بندی از دانش هرمنوتیک، معطوف به سرگذشت این دانش بوده، اما منوچهری در یک تقسیم بندی "کارکردگرایانه" از این نوع دانش، هرمنوتیک را به هرمنوتیک روشی، هرمنوتیک فلسفی، و هرمنوتیک انتقادی تقسیم بندی کرده است. (منوچهری، ۱۳۸۱، ص ۱۰) در این گونه تقسیم بندی، هرمنوتیک روشی و هرمنوتیک انتقادی؛ به واسطه رسالتی که ایفا مینمایند و از این حیث که هر دو به مثابه روش و ابزار در نظر گرفته می شوند با یکدیگر قرابت خواهند داشت. هرمنوتیک روشی؛ ابزاریست برای کاویدن معنا از پس افق های فکری یک مؤلف یا حتی یک اثر؛ و هرمنوتیک انتقادی، روشی است که به واسطه آن میتوان به آزادی، از طریق نفی سلطه نائل آمد. چهره های مطرح که توقع و انتظارشان از این

دانش، همانا در نظر گرفتن هرمنوتیک به مثابه روشی برای فهم معنا از پس افق های ذهنی یک اثر است، شامل ولف، آست، شلاپرماخر، ماکس وبر، ویلیام دپلتای، بتی، هیرش و کوئنتین اسکینر میباشند. از آنجایی که روش پژوهش حاضر حول متدلوژی خاص اسکینر است، به توضیح مختصری از روش وی اکتفا می‌نماییم.

۲ - ۴ - ۱. هرمنوتیک قصدگرا

متدلوژی خاص اسکینر در پاسخ به این سوال کلیدی که در تلاش برای فهم یک متن، چه رویه ای باید اتخاذ نمود، به عنوان راه سومی در مقابل و در انتقاد به دو متدلوژی «قرائت زمینه ای» و «قرائت متنی» صورت بندی شد. در متدلوژی «قرائت متنی» همان طور که از نامش پیداست؛ هرگونه تلاش مبتنی بر درک شرایط زمینه ای پیرامون یک اثر عینیت یافته انسانی مانند یک شعر، رمان، نقاشی به صورت کلی، و یک متن مکتوب به صورت جزئی، تلاشی بیهوده است و باید تمام تلاش خود را برای درک و فهم یک متن، بر نوع مواجهه درست و روش مند با خود متن صرف کرد. پیروان این روش معتقدند که در درون یک متن - به عنوان نمونه یک متن کلاسیک - غنایمی چون «عناصر فرازمانی» به شکل «ایده هایی عام»، دارای «حکمتی فراتاریخی» با کاربردی عام وجود دارد.

اسکینر در ارزیابی نقادانه این دیدگاه صریحا ابراز می‌دارد که مطالعه صرف هر آنچه یک نویسنده کلاسیک گفته است، به صورتی اجتناب ناپذیر ما را در معرض سقوط در درون ابهاماتی قرار می‌دهد؛ ابهاماتی که از آن ها تحت عنوان (اسطوره دکترین)، (اسطوره انسجام) و (اسطوره کوتاه نظری) نام می‌برد. (مرتضوی، ۱۳۸۸، ص ۴۰ - ۵۰) به عقیده اسکینر اگر یک پژوهشگر بتواند، خود را از تمام این موارد هم بر حذر دارد - که البته کاری است دشوار - باز هم این روش برای فهم اندیشه سیاسی ناکافی است.

در متدلوژی (قرائت زمینه ای) اساسا همان گونه که انتزاع فرد از جامعه نه امریست ممکن، و نه مطلوب، جداسازی اندیشه و متن از زمینه های اجتماعی و تاریخی آن هم نیز کاری است پوچ و قابل تقبیح. لکن از نگاه اسکینر، این گونه متدلوژی به صورت کلی بر یک اشتباه اساسی در خصوص ارتباط متن و زمینه شکل گرفته است، یعنی علیرغم آنکه مطالعه زمینه اجتماعی را برای فهم هر چه بهتر یک متن مفید میدانند، ولی

فرض پایه ای (متدلوژی قرائت زمینه ای) را مبنی بر اینکه فهم متن باید برحسب فهم زمینه صرف اجتماعی صورت گیرد، مفروضی نادرست و اشتباه قلمداد می‌نماید.

اسکینر با رد دو دیدگاه متن گرا و زمینه گرا، متدلوژی خاص خود را که تحت تأثیر نظریه کنش گفتاری آستین قرار دارد، مطرح می‌سازد. طبق این نظریه، هر کنش گفتاری صرفاً بیان کننده یک واقعیت بیرونی که نامش را «کنش بیانی محض» می‌نهد نیست، بلکه در بسیاری از مواقع کنش‌ها به صورت «کنش گفتاری مقصود رسان» علاوه بر اطلاع از واقعیتی، دست به یک کنش قابل پیگیری در جهان واقعی خارج می‌زنند. و نوع آخر که نامش را نظریه «کنش گفتاری کارگر» می‌نهد، در سودای تهییج یا تطمیع، یا القای ترس و آرامش در شنونده یا خواننده می‌باشد. اساس متدلوژی اسکینر پیروی از همین کنش نوع دوم (کنش گفتاری مقصود رسان) می‌باشد. بنابراین، یکی از مهمترین و کلیدی ترین مؤلفه های متدلوژی خاص اسکینر، تمایز گذاری بین «انگیزه» و «نیت» توسط اسکینر است. «انگیزه» نزد اسکینر امری سابق و متقدم بر متن می‌باشد که به واسطه تاثیر گذاری روح زمانه بر نویسنده یک متن ایجاد میشود. اما «نیت» متناظر و موازی با متن، و در واقع قصد مؤلف در حین، و اوان انجام و خلق اثر است. در صورتی که «انگیزه» قصدیست سابق بر عمل، و متقدم بر متن. بنابراین تا بدین جا آشکار شد که تاکید بر «کنش گفتاری مقصود رسان» و تمایز بین «انگیزه» و «نیت» دو ویژگی اساسی متدلوژی اسکینر است؛ و هر دو اینان، مبین اهمیت محوری «نیت» مؤلف نه انگیزه او در این متدلوژی می‌باشد.

وی معتقد است که در ورای متن یک نویسنده، قصد و هدفی وجود دارد که رسالت مفسر کشف همین مقصود می‌باشد، یعنی زمانی که نویسنده آن متن را برای خواننده می‌نویسد، قصد بیان یک مسئله ای را داشته که توسط خلق ان اثر، قصد ایجاد ارتباط با خوانندگان را داشته است. بر این اساس لازمه اصلی تفسیر و فهم معنای متن، " کشف قصد مؤلف است". که البته کاری است سخت و پیچیده؛ اما شدنی و ممکن.

اسکینر معتقد است که برای رسیدن به این امر، پژوهشگر باید به دو سؤال اساسی پاسخ دهد: یکی اینکه نویسنده در نوشتن متن، نسبت به متون دیگر که زمینه ایدئولوژیک را تشکیل می‌دهند، چه کاری انجام می‌دهد یا انجام می‌داده است؟ و دیگر اینکه نویسنده در نوشتن یک متن، نسبت به کنش سیاسی در